

امالی نویسی در تاریخ حدیث شیعه

کرم سیاوشی / استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا
جواد محمدی / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

پژوهش حاضر کوشیده است سیر نگارش امالی در حدیث شیعه را بررسی کند. سابقه امالی نویسی در حدیث شیعه، به عصر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رسد، به گونه‌ای که اولین امالی در زمان حیات ایشان و به املائی آن حضرت و خط حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سامان یافت. در دوران حضور امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شاهد پدید آمدن این قبیل آثار هستیم که «امالی» هشام بن حکم، «امالی» نوبختی، و «امالی» ابوبکر بن عیاش از آن جمله‌اند. پس از این دوران، یعنی عصر غیبت، نیز تعداد قابل توجهی از محدثان به امالی نویسی همت گماشته و آثار فاخری از خود برجای نهاده‌اند. «امالی» شیخ مفید، «امالی» شیخ طوسی، «امالی» شیخ صدوق، «امالی» ابوالفضل شیبانی و «امالی» ناصر کبیر از مهمترین این کتاب‌ها به شمار می‌روند.

کلید واژه‌ها: امالی، مجالس، حدیث، نگارش، شیعه.

مقدمه

مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از همان ابتدا بر حفظ سنت رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله و سیره و سخنان ائمه بزرگوار علیهم‌السلام تأکید داشته و بر حفظ بزرگ‌ترین میراث و منبع دین پس از قرآن، یعنی احادیث، پای فشرده است. در این زمینه، برای تدوین و نگه‌داری حدیث، از شیوه‌های گوناگونی استفاده گردیده و تلاش شده است احادیث معصومان علیهم‌السلام در فراز و فرود زمان و با وجود تهدیدهای گوناگون، به نسل‌های بعد منتقل شود و از گزند نابودی در امان بماند.

نگارش حدیث مطمئن‌ترین شیوه برای حفظ این گنجینه ارزشمند بوده و از همان ابتدا، پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام بدان سفارش کرده‌اند. بی‌گمان یکی از بهترین راه‌های نگارش «امالی نویسی» بوده است؛ شیوه‌ای که به خاطر سبک خاص خود، این فرصت را به وجود می‌آورد که احادیث شریف با دقت نظر و تعمق بیشتر مطمح نظر و استفاده قرار گیرند و نیز به نسل‌های آتی منتقل شوند، تا جایی که اعتبار این شیوه تدوین و تحمّل حدیث را همپای «اصل» قرار می‌دهد.

هدف این تحقیق آن است که سیر امالی‌نویسی در حدیث شیعه را بررسی کند و سیاه‌های هرچند اجمالی و مختصر از این کتب ارزشمند ارائه دهد. تنها اثری که پیش از این پژوهش به بررسی این مطلب پرداخته کتاب *قیّم الذریعة الی التصانیف الشیعه*، اثر مرحوم آقابزرگ تهرانی است، ولی از آن رو که مقاله حاضر، هم به آثار مذکور در *الذریعه* پرداخته و هم آن‌ها را نقد و تصحیح و تکمیل کرده و نیز کتاب‌های دیگری را که در *الذریعه* نیامده بررسی نموده است، اثری نو و بدیع محسوب می‌شود. از سوی دیگر نیز تلاش شده است موضوع امالی‌نویسی در دوران پیش و پس از غیبت تفکیک شود.

سؤالات پیش روی این پژوهش عبارتند از:

۱. ضرورت و خاستگاه امالی‌نویسی چیست؟
 ۲. آغاز امالی‌نویسی در چه دورانی و اولین امالی کدام است؟
 ۳. در دوران پیش از غیبت حضرت حجت علیه‌السلام، چه آثاری در این زمینه پدید آمده است؟
 ۴. در دوران غیبت، چه آثاری ظهور یافته است؟
- شیوه این تحقیق، «تحلیلی - توصیفی» مبتنی بر بررسی منابع مکتوب است. این نوشتار کوشیده است تتبع جامعی در خصوص موضوع بحث سامان دهد، اما ادعای استقصای همه نکات را ندارد.

تعریف

«املاء» از ریشه «مَلَأَ» در لغت، به معنای کشیده شدن و امتداد است. به همین سبب به زمان طولانی «مَلَاوَة مِنْ الدَّهْرِ» گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۶). در آیه ۴۶ سوره مریم آمده است: (وَأَهْرَجْنِي مَلِيًّا)؛ یعنی زمانی دور از من دور شو! اصطلاح «أَمَلِيْتُ الْكِتَابَ» نیز از همین ریشه است. (همان، ص ۷۷۷) و در اصطلاح، وقتی گفته می‌شود که مطلبی از نظر زمانی قدری کشیده و آهسته خوانده شود، تا فرصت تأمل و یا کتابت دقیق آن مهیا گردد.

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی کتب «امالی» را چنین تعریف کرده است: «غالباً عناوین برخی کتب حدیثی است که احادیث شنیده شده از املائی شیخ، چه از حفظ و چه از روی کتابش، در آن درج شده است.» (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۵) مرحوم مدیر شانه‌چی نیز «امالی» را بدین صورت تعریف کرده است: «امالی غالباً به کتاب حدیثی اطلاق می‌شود که شیخ حدیث در مجالس متعدد آن را املا فرموده باشد و از این رو، آن را «مجالس» نیز می‌نامند.» (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۹، ص ۳۰ و ۳۱)

امالی از حیث طرق تحمّل احادیث، ذیل «سَمَاع» قرار می‌گیرد (صدر، بی‌تا، ص ۴۴۵/ ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص ۱۳۲) و بدین سبب که از دقت بالایی برخوردار بوده، در قوت اعتبار و قلت سهو و غلط و فراموشی، مانند اصل است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۶/ مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۹، ص ۳۰ و ۳۱)

به این کتب، از آن رو که به ترتیب مجالس سَمَاع مرتب شده است، «مجالس» و «عرض المجالس» نیز گفته می‌شود (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۵ و ۳۰۶)

قابل ذکر است که امالی‌نویسی مختص حدیث نبوده و در سایر رشته‌ها مانند ادبیات و عقاید نیز رواج داشته است.

خاستگاه و ضرورت امالی‌نویسی

خاستگاه و ضرورت امالی‌نویسی را می‌توان در آیات کریمه قرآن و روایات یافت. قرآن برای قلم و نگاشتن شرافت قایل است و به آن سوگند خورده: (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) (قلم: ۱)؛ نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. (اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) (علق: ۳ و ۴)؛ بخوان، و پروردگارت ارجمندترین است. خدایی که به وسیله قلم آموزش داد.

در کنار آیات قرآن، روایاتی هم که به نگارش و کتابت دستور داده شایان توجه است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: (قِيدُوا الْعِلْمَ)؛ علم را به بند کشید. سؤال شد: به بند کشیدن علم چیست؟ فرمود: «كِتَابَتُهُ»؛ نوشتن آن. (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۱ و ۱۵۲) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «اَكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَاتَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا» (همان، ص ۱۵۲)؛ بنویسید که قادر به حفظ نیستید، مگر با نوشتن.

آغاز امالی نویسی

سابقه امالی نویسی به زمان حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رسد، به گونه‌ای که نخستین امالی به امالی ایشان و قلم امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام سامان یافته است. از این رو، این امالی به «کتاب علی عَلَيْهِ السَّلَام» شهرت یافته است. این موضوع در روایات متعددی انعکاس یافته است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنَّ عِنْدَنَا كِتَابًا أَمَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ خَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام صَحِيفَةٌ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۲) از این امالی، به لحاظ جامعیتی که داشته به «جامعه» نیز تعبیر شده است: «وَأَمَّا الْجَامِعَةُ فَهِيَ كِتَابٌ طَوَّلَهُ سَبْعُونَ ذِرَاعًا إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ فُلُقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام بِيَدِهِ. فِيهِ وَ اللَّهِ، جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْشَ الْخَدَشِ وَ الْجُلْدَةِ وَ نِصْفِ الْجُلْدَةِ». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۸)؛ جامعه کتابی است به طول هفتاد ذراع و امالی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از لبان مبارکش و خط علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام. به خدا سوگند، هر چه مردم تا روز قیامت به آن نیازمندند در آن وجود دارد، حتی جریمه خراش و...؟

از روایات وارد شد در موضوع مزبور، می‌توان ویژگی‌های ذیل را برای این امالی استخراج

نمود:

۱. جامعه کتاب بزرگ و حجیمی است. (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۹)
۲. حکم هر حلال و حرام و هر موضوع فقهی در آن آمده است. (همان)
۳. احکام بیان شده تا قیامت نیازهای شرعی مردم را کفایت می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۸)
۴. این امالی محل مراجعه امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳۹)

امالی نویسی در عصر ائمه اطهار علیهم السلام (تا زمان آغاز غیبت امام دوازدهم علیه السلام)

۱. امالی هشام بن حکم

ابومحمد هشام بن حکم، از خواص اصحاب و شاگردان امام جعفر صادق و امام موسی بن جعفر علیهما السلام به شمار می‌رود. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۹۴) مباحثات فراوانی با مخالفان در زمینه اصول دین و مذهب داشته، صاحب اصل بوده و از آن دو امام بزرگوار بسیار روایت کرده و توسط آنان مدح شده است. (همان، ص ۴۹۵) نجاشی دو امالی برای او ذکر کرده است: یکی با عنوان المجالس فی التوحید و دیگری المجالس فی الامامه. (نجاشی، ۱۳۴۱، ص ۴۳۳) لازم به ذکر است که به قول آقابزرگ، اطلاق لفظ «امالی» بر کتب حدیثی معهود نبوده و از آن‌ها با عنوان «مجالس» یاد می‌شده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۱) با توجه به این مطلب و اینکه آقابزرگ تهرانی پس از ذکر کتاب المجالس برای وی، قید «روی عن الصادق و الکاظم علیهما السلام» را به آن اضافه کرده است (همان)، مشخص می‌شود به احتمال زیاد، این دو کتاب مجالس حدیثی بوده‌اند.

۲. امالی ابوسهل نوبختی

ابوسهل اسماعیل بن علی بن نوبخت، از بزرگان شیعه، (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۲۵) و شیخ متکلمان در میان شیعه و غیر شیعه به شمار می‌آمد و صاحب جلالت در دین و دنیا بود. (نجاشی، ۱۳۴۱، ص ۳۱) وی در دوران حیات مبارک امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیست و در شهادت آن حضرت حاضر بود و به فوز دیدار حضرت حجت علیه السلام نیز نایل گردید. (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۵۲) وی دانشمندی فاضل بود که جلساتی کلامی برگزار می‌کرد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۲۵) و در رشته‌های گوناگون علمی، به ویژه حدیث، تصنیفات داشت. بیش از ۳۰ تصنیف برای او ذکر شده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۱۱). وی در دوران غیبت صغرا وفات یافت. (همان) از آثار وی، علاوه بر المجالس یا امالی می‌توان به کتب الاستیفاء فی الامامه، التنبيه فی الامامه، کتاب الردّ علی الغلاة و کتاب ابطال القیاس اشاره کرد. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۲۵). این کتاب در الفهرست ابن ندیم و الذریعه با نام المجالس آمده است.

۳. امالی ابوبکر بن عیاش (۹۵-۱۹۳ق)

ابوبکر شعبه بن عیاش یکی از دو راوی قرائت عاصم است. (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷) برقی در رجال خود، او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام آورده است. (برقی، ۱۳۸۳، ص ۴۳) ابن شهر آشوب در کتاب *المناقب* از امالی وی نقل حدیث کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۰۳) بنابراین و با توجه به مضمون روایت نقل شده مشخص می شود که امالی ابوبکر بن عیاش متضمن روایاتی در فضایل اهل بیت علیهم السلام بوده است.

امالی نویسی در دوران غیبت

۱. امالی احمد بن علی بن الحسن

احمد بن علی بن حسن بن شاذان یا ابوالعباس فامی (قاضی) القمی که نجاشی به نقل از ابوالحسن فرزند وی، کتاب *الامالی* را از آثار او ذکر کرده و با عنوان «شیخنا الفقیه» او را در شمار شیوخ خود عنوان نموده است. (نجاشی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۵) با توجه به اینکه تولد نجاشی در سال ۳۷۲ق اتفاق افتاده، احمد بن علی را باید از فقها و محدثان قرن سوم و چهارم دانست. شیخ آقا بزرگ تهرانی تصریح نموده که این امالی حدیثی بوده است. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۰۸) او ثقه بوده و «شیخ الطائفة الحقه» از القاب وی است. (ابطحی، بی تا، ج ۳، ص ۴۵۱) ابن حجر در *لسان المیزان*، وی را شیخ شیعه در زمان خودش نامیده است. (همان) البته صاحب *حاوی الاقوال* وی را از ضعاف و مجهول دانسته است. (مازندرانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۱) از امالی وی اطلاعی در دست نیست.

۲. امالی ناصر کبیر (اطروش)

حسن بن علی بن حسن بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام معروف به «ابومحمد اطروش»، (نجاشی، ۱۴۳۱، ص ۵۸) که آقا بزرگ تهرانی رحلت وی را در سال ۳۰۴ در طبرستان ذکر کرده و به حدیثی بودن امالی او تصریح نموده است. (تهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۸) او جد مادری سید رضی و سید مرتضی است و بر خلاف نظر برخی که وی را زیدی دانسته‌اند، شیعه دوازده امامی بوده و کتابی به نام *انساب الأئمة و موالیدهم الی صاحب الأمر* داشته است. (همان) نجاشی وی را امامی مذهب و دارای دو کتاب در زمینه امامت ذکر کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۱، ص ۵۸) او مدتی

فرمانروای طبرستان و صاحب فضل و علم و زهد و ورع بود و آثار کرامات او در گیلان و دیلمان آشکار بود. (مهدوی دامغانی، ۱۳۵۷، ص ۱۴۰) اطروش فضایل بسیاری را از اهل بیت علیهم السلام در این کتاب نقل کرده است. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۰۸)

۳. امالی سید ابوطالب علی بن الحسین الحسینی

سید بن طاووس در کتاب *غیاث سلطان الوری* از وی حدیث نقل کرده است. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۱۲) با توجه به اینکه ولادت سید بن طاووس در اواخر قرن ششم اتفاق افتاده است، باید وی را نیز از علمای قرن ششم یا هفتم دانست.

۴. امالی ابوبکر خزاعی نیشابوری

ابوبکر احمد بن الحسین بن احمد خزاعی نیشابوری ساکن ری، ثقه و جلیل القدر بود. وی جدّ ابوالفتح رازی است و پدر شیخ حافظ عبدالرحمان مفید نیشابوری (از محدثان معروف امامیه در قرن پنجم) است (امین، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۱۲) که ذکر او خواهد آمد. او بر سید رضی، سید مرتضی و شیخ طوسی قرائت داشت و از بزرگ‌ترین شاگردان سید رضی و سید مرتضی و از مصنفان معروف در فقه و غیر آن است. (همان)

امالی وی در چهار جلد بود. *عیون الاحادیث و السنن* نیز از دیگر آثار وی به شمار می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۲، ص ۲۰۵)

۵. امالی محسن بن حسین بن احمد نیشابوری

وی عموی عبدالرحمان نیشابوری، معروف به «شیخ مفید» و برادر ابوبکر خزاعی نیشابوری است. (خویی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۹۵) او ثقه و حافظ بود و علاوه بر کتاب *امالی* در حدیث، کتاب‌هایی با نام *اعجاز القرآن* و *بیان من کنت مولاه* داشته است. (همان) وی از محدثان قرن پنجم بود. شیخ آقابزرگ از ابن سمعانی در *لسان المیزان* نقل می‌کند که عده‌ای برخی مجالس امالی وی را در ری دیده‌اند و یکی از آن‌ها مخصوص اسلام ابوطالب بوده است. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۱۲) شیخ منتجب‌الدین رازی در *الفهرست*، سخن از کتب امالی وی به میان آورده و بنابراین باید گفت: محسن بن حسین چند کتاب امالی داشته است. (رازی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۲)

۶. امالی عبدالرحمان خزاعی نیشابوری

ابومحمد عبدالرحمان بن احمد بن الحسين النیشابوری الخزاعی، معروف به «شیخ مفید»، فرزند ابوبکر خزاعی نیشابوری و برادرزاده محسن بن حسین بن احمد نیشابوری، شیخ اصحاب و حافظ حدیث در ری بود. به شرق و غرب عالم در طلب حدیث مسافرت کرده و از موافق و مخالف سماع داشته است. (بناطی بیاضی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴) وی بر بزرگانی همچون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، کراجکی، ابن البرّاج و سلّار قرائت حدیث داشته و علاوه بر امالی، صاحب تصانیفی همچون *سفینه النجاه فی مناقب اهل البيت، العلویات، الرضویات، عیون الاخبار، مختصرات فی المواعظ و الزواجر* است. (همان)

۷. امالی سعد بن نصر

کفعمی (م ۹۰۵ق) این امالی را از مآخذ کتاب *المصباح* خود شمرده است. (کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۷۷۲) بنابر گزارش صاحب *الذریعه*، *امالی* مزبور از مآخذ کتاب *بلد الامین* (دیگر کتاب کفعمی) نیز هست. (تهرانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۱)

۸. امالی سید هبة الله حسنی

ابوالسعادات سید هبة الله بن علی بن محمد بن هبة الله حمزه حسنی را شیخ منتجب الدین با الفاظی همچون «فاضل صالح» یاد نموده و او را مصنف کتاب *امالی* دانسته است. (رازی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۰) با توجه به اینکه شیخ منتجب الدین پس از بیان مطالب گفته است: «شاهد تغیر واحد قرأها علیه» (همان)، می توان نتیجه گرفت سید هبة الله هم عصر وی در قرن ششم بوده است.

۹. امالی سید ابوطالب هروی

وی از بزرگان علما و اصحاب روایت بود. (امین، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۶۸) رضی الدین طبرسی، صاحب کتاب *مکارم الأخلاق*، برخی احادیث را از *امالی* وی نقل کرده است. برای نمونه، در جایی از کتابش می گوید: «من أمالی السيد أبي طالب الهروي عن ...» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۷) با توجه به این مطلب که رضی الدین طبرسی از علمای قرن ششم به شمار می رود، هروی را نیز باید از علمای قرن پنجم یا ششم به حساب آورد.

صاحب *اعیان الشیعه* می نویسد: سید ابوطالب از سید ابوالحمد مهدی بن نزار، هم عصر صاحب مجمع البیان، نقل حدیث می کرده است. (امین، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۶۸). سید ابوالحمد کسی است که شیخ طبرسی در برخی مواضع تفسیرش از وی نقل حدیث کرده است. برای نمونه، در تفسیر سوره نمل می گوید: «حدَّثنا السيد ابوالحمد مهدی بن نزار الحسينی ...» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۷۱)

۱۰. امالی قطب الدین راوندی (م ۵۷۳)

قطب الدین سعید بن هبه الله راوندی شاگرد امین الاسلام طبرسی و از فقها و محدثان مشهور قرن ششم به شمار می رود و کتابی به نام *خرائج* دارد. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۵۴) از دیگر آثار او، می توان به *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و خلاصه التفاسیر* اشاره کرد. (تهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۱ و ج ۱۴، ص ۱۲۷) این *امالی* در کتاب *الذریعه* تحت عنوان *المجالس* آمده است.

۱۱. امالی شیخ ابو جعفر نیشابوری

شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسن نیشابوری المقری را شیخ منتجب الدین در فهرستش چنین معرفی کرده است: «الشیخ الامام قطب الدین ابو جعفر محمد بن علی بن الحسن المقری النیسابوری، ثقة، عین» (خویی، ج ۱۶، ص ۳۱۴) او تصانیفی همچون *التعلیق، الحدود، و الموجز فی النحو* داشته است. (همان) وی از شیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی روایت می کرده است. (تهرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۵۶) شیخ آقابزرگ این *امالی* را با عنوان *المجالس* ذکر کرده است.

۱۲. امالی کلوذانی

عباس بن عمر بن عباس بن محمد بن عبدالملک بن ابی مروان کلوذانی، معروف به «ابن مروان»، از مشایخ نجاشی و ثقات است. (خویی، ج ۹، ص ۲۳۶) کلوذانی به نجاشی چنین خبر داده است که در سال ۳۲۸ ق از علی بن حسین بن بابویه (صدوق اول و پدر شیخ صدوق)، هنگامی که به بغداد آمده بود، اجازه تحدیث از همه کتب او را گرفته است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۲) از برخی روایات نقل شده از *امالی* وی، که در کتاب *المناقب ابن شهر آشوب* آمده است، مشخص می شود که این *امالی* حاوی فضایل اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام صادق علیه السلام است. (رک. ابن شهر آشوب، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳ و ۲۳۴)

۱۳. امالی ابوالفتوح الحفّار (م ۴۱۴ق)

ابوالفتوح هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان الحفّار، متوفای سال ۴۱۴ ق (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۷) و از مشایخ شیخ طوسی به شمار می‌رود. شیخ طوسی در *امالی* خویش، از وی نقل حدیث می‌کند و بخشی از مجالس دوازدهم و سیزدهم را به روایات وی اختصاص داده است. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۳۱-۳۸۱). برخی از علمای عامّه مانند بنی‌زهره در کتاب *الاجازة الکبیر* ادعا کرده‌اند وی سنّی است. ولی میرزا عبدالله افندی صاحب کتاب *ریاض العلماء* و آیه الله بحر العلوم در *الفوائد الرجالیة* و محدّث نوری در *خاتمه مستدرک*، به شیعه بودن وی تصریح نموده‌اند. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۷) به گزارش شیخ طوسی در *المهرست* وی کتابی به نام *مسند الرضا علیه السلام* را از برادرزاده دعبیل خزاعی، یعنی اسماعیل بن علی بن رزین، روایت کرده و خود شیخ نیز احادیث این مسند را از الحفّار سماع نموده و از وی اجازة روایت آن را گرفته است. (طوسی، بی‌تا، ص ۳۳)

۱۴. امالی شیبانی

صاحب *الذریعة* وی را عده کفعمی (م ۹۰۵ق) می‌داند و امالی او را از مآخذ کتاب *بلد الامین* کفعمی ذکر می‌کند. آقابزرگ تهرانی احتمال داده است وی همان محمد بن حسن شیبانی، مؤلف تفسیر *نهج البیان عن کشف معانی القرآن* باشد. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۱) ولی چنین احتمالی درست نیست؛ زیرا شیبانی از علمای قرن هفتم به شمار می‌رود و فاصله او با دوران حیات کفعمی زیاد است و نمی‌تواند عده او باشد. کفعمی *امالی* شیبانی را از مآخذ کتاب دیگر خود، یعنی *المصباح* ذکر می‌کند. (کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۷۷۲)

۱۵. امالی ابوالفضل شیبانی (۲۹۷-۳۱۷)

ابوالفضل محمد بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله بن البهلول بن همّام بن المطلّب الشیبانی، عمر خود را در طلب حدیث به مسافرت گذراند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۶) و محضر مشایخ فراوانی را درک کرد، به گونه‌ای که ابوالفرج القنانی کتاب *معجم رجال ابی‌الفضل* را به تراجم مشایخ وی اختصاص داده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۱۵) نجاشی می‌گوید: «رأیت هذا الشیخ و سمعت منه کثیراً ثم توقفت عن الروایة عنه الاّ بواسطة بینی و بینة.» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۶) شیخ طوسی در

رجال، وی را «کثیر الروایه» معرفی کرده، می‌گوید، برخی وی را تضعیف نموده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۷) یکی از کسانی که شیبانی را تضعیف نموده ابن الغضائری است. وی درباره شیبانی می‌گوید: «وضع کثیر المناکیر. رأیت کتبه فیها الأسانید من دون المتون و المتون من دون الأسانید. و أری ترک ما ینفرد به.» (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۹۹) نجاشی خود نیز به این تضعیف اشاره نموده است. وی در وصف شیبانی می‌نویسد: «کان فی أول أمره ثبتاً، ثم خلط و رأیت جل أصحابنا یغمزونه و یضعفونه.» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۶) چنین به نظر می‌رسد که نجاشی به همین خاطر روایت بلاواسطه از وی را ترک گفته است، لکن آقابزرگ تهرانی معتقد است: نجاشی وی را قبل از کمال، یعنی در سن ۱۴ یا ۱۵ سالگی درک کرده و از روی احتیاط - چون احتمال می‌داده سماعش از وی واجد شرایط لازم نبوده - بلاواسطه از او نقل نمی‌کرده است. بنابراین، عدم نقل نجاشی از وی برخلاف آنچه برخی پنداشته‌اند به خاطر ضعف شیبانی نبوده است؛ زیرا تضعیفش نزد نجاشی ثابت نشده، بلکه از سوی او مدح شده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۴ و ۳۱۵) توجیه صاحب الذریعه درست به نظر می‌رسد؛ زیرا در صورت اثبات تضعیف شیبانی، برای نجاشی وجهی نداشت که وی روایت بلاواسطه از او را بپذیرد.

شیبانی دارای کتب فراوانی بوده است؛ مانند شرف التریه، مزار أمير المؤمنين عليه السلام، مزار الحسين عليه السلام، فضائل عباس بن عبدالمطلب، الدعاء و من روی حدیث غدیرخیم (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۶) بسیاری از اسانید صحیفه کامله سجّادیه به وی ختم می‌شود. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۷۵) مقصود شیخ طوسی از تعبیر «بالاسناد الاول» یا «بهذا الاسناد» در الفهرست، روایت وی از عده‌ای از مشایخش از ابوالفضل شیبانی است. (همان)

۱۶. امالی بطحائی (۳۴۰-۴۲۴)

ابوطالب یحیی بن الحسین الاحول بن هارون الأقطع بن الحسین بن محمد بن هارون بن البطحائی حسینی از پیشوایان زیدی است و در دیلم پس از برادرش المؤید بالله حکمرانی کرد. وی دارای چند کتاب است که امالی از آن جمله است. این کتاب نزد زیدیان از کتب معتبر به شمار می‌رفته و روایات آن را با اسانیدش نقل می‌کرده‌اند. سید بن طاووس در الاقبال، محاسبه النفس و سایر کتبش، به نقل روایت از آن پرداخته است. وی کتاب دیگری به نام اسامی الامهات تألیف نموده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۱۸)

۱۷. امالی لیث بن سعد

ابومظفر لیث بن سعد بن لیث اسدی ساکن زنجان و فقیهی صالح، و *امالی* وی در مناقب اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. (رازی، ۱۳۶۶، ص ۹۹) از آثار دیگر وی، می‌توان به کتاب *الطهاره*، کتاب *الایمان* و *روایات الاشح* اشاره کرد. (همان) با توجه به اینکه شیخ عبدالرحمان نیشابوری (مفید) از *امالی* وی نقل می‌کرده است (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۲)، باید گفت: لیث بن سعد هم‌عصر پدر او، یعنی ابوبکر خزاعی نیشابوری، بوده است.

۱۸. امالی عقیل بن حسین

سید ابوالعبّاس عقیل بن حسین بن محمد بن علی بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن علی بن ابیطالب علیه‌السلام، محدث و فقیه بود و شیخ منتجب الدین وی را از ثقات دانسته، می‌گوید: شیخ عبدالرحمان نیشابوری (مفید) بر وی قرائت حدیث داشته (رازی، ۱۳۶۶، ص ۷۸) و این *امالی* در سال ۴۲۰ ق بر وی قرائت شده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۱)

۱۹. امالی یحیی بن الحسن الحسینی

آقازرگ نام وی را چنین آورده است: السید الشریف ابوطالب یحیی بن الحسن بن هارون الحسنی، سپس می‌گوید: سید بن طاووس در *اقبال الاعمال* از *امالی* وی نقل کرده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۸) اما سید بن طاووس نام وی را «یحیی بن الحسن الحسینی» ذکر می‌نماید. (سید بن طاووس، ۱۳۶۷، ص ۵۸۲) به هر حال، این دو اسم نام یک نفر است و به نظر می‌رسد در ثبت نام او تصحیف شده است. محدث نوری در *خاتمه المستدرک*، یحیی را از اکابر علمای متقدم دانسته، می‌گوید: وی از حسین نحوی (م ۳۰۵ق) روایت می‌نموده و حاکم جشمی (از علما و محدثان زیدی و معاصر با ابن شهر آشوب) در کتاب *تنبيه الغافلین عن فضل الطالبین* از *امالی* وی حدیث نقل کرده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۸)

۲۰. امالی شیخ ابوالقاسم خزّاز قمی

شیخ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزّاز قمی رازی، صاحب کتاب *کفایة الأثر* بوده و از شیخ صدوق (م ۳۸۱) و شیخ احمد بن محمد بن العیّاش صاحب *مقتضب الأثر* (م ۴۰۱) روایت می‌کرده

است (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۲) صاحب *الذریعه* می‌گوید: نجاشی و شیخ منتجب‌الدین به شرح حال وی پرداخته‌اند، اما *امالی* را در شمار کتب آن‌ها ذکر نکرده‌اند، لکن خود آقابزرگ تهرانی انتساب چنین کتابی به وی را در کتب برخی متأخران دیده است. (همان)

۲۱. امالی (مجالس) ابراهیم هندی

این امالی در موضوع تأویل احادیث پیامبر نگاشته شده و دارای ۳۰ مجلس و هر مجلس مشتمل بر ۴۰ حدیث است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۵۲) تا زمان صاحب *الذریعه* ۸ مجلس از ابتدای آن موجود بوده است. (همان)

۲۲. امالی ابو عبدالله صفوانی

محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة بن صفوان الجمال، از نوادگان صفوان جمال، صحابی امام صادق علیه السلام بوده است. گفته‌اند: وی اُمّی بود، ولی با این حال، علم فراوانی داشت. حافظ و نیکوگفتار بود (طوسی، بی‌تا، ص ۳۹۱) وی کتاب‌هایی داشت که آن‌ها را از حفظ املا می‌کرد. برخی از این کتب عبارتند از: *الکشف و الحجه، أنس العالم (و تأدیب المتعلم)*، *یوم و لیلہ، تحفة الطالب و بغیة الراغب، المتعة و تحلیلیها و الرد علی من حرّمها، صحبة آل الرسول و إحن أعدائهم، الردعة و النهی عن کل بدعة و المنازل*. (همان) وی با قاضی موصل درباره امامت مباحله کرد، دستی که قاضی با آن مباحله کرده بود فلج و سیاه شد و خود قاضی نیز فردای آن روز مُرد و به همین سبب، بر منزلت ابو عبدالله صفوانی در نزد ملوک افزوده شد. (ابن داود، ۱۳۸۳، ص ۲۹۴)

۲۳. امالی ابو جعفر کالکهلانی سروی

ابو جعفر محمد بن جعفر بن امیر کالکهلانی سروی را ابن شهر آشوب (۴۸۸-۵۸۸) در *معالم العلماء* توصیف کرده و *المجالس* را جزو آثار او برشمرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲) با توجه به اینکه ابن شهر آشوب خود در قرن پنجم و ششم می‌زیسته، این *امالی* را باید متعلق به قرن ششم یا پیش از آن دانست.

۲۴. امالی محمد بن حمزه حسینی

سید بهاء‌الدین ابوالمکرّم محمد بن حمزه حسینی را ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* (رقم ۷۷۲)، صاحب کتاب *المجالس* ذکر کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص ۱۵۱) این *امالی* را نیز باید متعلق به قرن ششم یا پیش از آن دانست.

۲۵. امالی شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق»، کتاب *امالی* او به *مجالس* و *عرض المجالس* نیز معروف و دارای ۹۷ مجلس است. مجلس اول در تاریخ ۱۸ رجب سال ۳۶۷ آغاز و مجلس نود و هفتم در تاریخ ۱۹ شعبان سال ۳۶۸ به اتمام رسیده و جمعاً سیزده ماه به طول انجامیده است. (شیرازی زنجانی، بی‌تا، ص ۱۵۴)

امالی شیخ صدوق از حیث موضوع و محتوا بسیار پراکنده‌تر از *امالی* شیخ مفید است. وی علاوه بر موضوعات مربوط به اخلاق و امامت، موضوعات بسیار متنوع دیگری را نیز آورده است. برای نمونه، نگاهی گذرا به روایات مجلس اول، خود گویای مطلب است. در این مجلس، موضوعاتی همچون گفتار نیکو، روزه عید غدیر، ولایت علی علیه السلام، پندی از پیامبر، وصیت قصی بن کلاب، حدیث اهل البیت علیهم السلام، موعظه یوسف و زلیخا به چشم می‌خورد. (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱-۵) به طور کلی، روایات کتاب ترکیبی از موضوعات اخلاقی، اعتقادی، فقهی، تفسیری و مانند آن است، اما می‌توان گفت: برجسته‌ترین و متمرکزترین موضوع در این کتاب، همان فضایل اهل بیت علیهم السلام به ویژه فضایل علی علیه السلام است.

۲۶. امالی شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳)

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید» از اکابر علمای امامیه بود. وی استاد شیخ طوسی و سید مرتضی و سید رضی است. *امالی* شیخ مفید مهم‌ترین اثر حدیثی این شخصیت بزرگ به شمار می‌رود. نجاشی از این کتاب با عنوان *امالی المتفرقات* یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۰۰) وصف *متفرقات* یا به خاطر پراکندگی زمان املا و یا متفاوت بودن موضوع روایات و یا پخش شدن روایات مشایخ در کتاب وی است؛ زیرا برخلاف *امالی* شیخ طوسی، روایت مشایخ یک‌جا و در پی هم گرد نیامده است. (شیرازی زنجانی، بی‌تا، ص ۱۴۴) این *امالی* ۴۲ مجلس دارد. مجلس اول این کتاب

در اول ماه رمضان سال ۴۰۴ در بغداد و در منزل شخصی به نام ضمره ابوالحسن ابی‌الحسن علی بن محمد بن عبدالرحمان الفارسی آغاز شده است. (مفید، بی‌تا، ص ۲) مجلس آخر این کتاب در ماه رمضان سال ۴۱۱ املا شده است. (همان، ص ۳۵۵)

روایات این امالی در نگاه نخستین، درباره موضوع یا موضوعات خاصی املا نشده است، ولی با اندکی توجه و دقت مشخص می‌شود که بیشتر آن‌ها در دو محور امامت و اخلاق است. از زیبایی‌های این امالی آن است که انسان احساس می‌کند قرار گرفتن روایات مربوط به ویژگی‌های شیعه در میان روایات مربوط به ولایت و اخلاق، در صدد تشویق پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به کسب فضایل انسانی است؛ همان فضایی که در وجود معصومان علیهم‌السلام متجلی شده است.

این کتاب دارای ۳۸۶ روایت است. در این میان، مجلس بیست و سوم به تنهایی دارای ۴۷ روایت، یعنی بیشترین تعداد است که برخی روایات نیز بسیار طولانی بوده و نمی‌تواند املا شده باشد. به همین دلیل و دلایل دیگر، بعید به نظر می‌رسد بتوان این بخش را امالی محسوب کرد. (برای آگاهی از این دلایل، رک. شبیری زنجانی، بی‌تا، صص ۱۴۲-۱۶۳)

۲۷. امالی شیخ طوسی (۴۸۵-۴۶۰ق)

محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ»، «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفة»، مطالب این کتاب او آخرین گفتارهای علمی وی به شمار می‌رود که از سال ۴۵۵ ق آغاز شده و در روز ۹ ذی الحجه سال ۴۵۸ پایان پذیرفته است. (انصاری قمی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶) امالی شیخ دارای دو بخش است. با توجه به اینکه در بخش اول، شیخ طوسی مشایخ روایی خود را ذکر کرده است، مشخص می‌شود که این بخش املا و روایت خود شیخ است. وی در آغاز بخش اول می‌گوید: «أملی علینا ابو عبدالله محمد ابن محمد بن النعمان رضی الله عنه، قال حدثنا ابوالطیب الحسین بن علی بن محمد التمار ...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳) در ابتدای مجلس دهم می‌گوید: «اخبرنا ابو عمر عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن مهدی ...» (همان، ص ۲۵۷) این بخش دارای ۱۸ مجلس است. این مجالس را فرزند شیخ پس از درگذشت شیخ، در حرم علوی به سال ۵۰۹، مجدداً برای شاگردان خود املا کرده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۹) به بخش دوم این امالی، که از مجلس ۱۹ شروع و به مجلس ۴۶ ختم می‌شود،

چون املا خود شیخ و روایت فرزند شیخ است «امالی ابن‌الشیخ» گفته می‌شود. از این امالی به خاطر آنکه ابوعلی، فرزند شیخ، آغاز هر درس را با عبارت «مجلس...» آغاز نموده است، با نام «المجالس» نیز یاد می‌شود. (انصاری قمی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷)

امالی شیخ دارای ۱۵۳۷ حدیث است که شامل موضوعاتی همچون فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام (قریب ۶۰ درصد مطالب کتاب)، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و شرح وقایع زندگانی آن حضرت، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام، شخصیت‌های صدر اسلام، سنت‌های حسنة اسلامی و روایات تفسیری است. (همان)

۲۸. امالی فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)

محدث، محسن بن مرتضی فیض کاشانی، صاحب کتاب الوافی است، محمد اشرف از شاگردان علامه مجلسی در کتاب فضائل السادات، از امالی فیض حدیث نقل کرده است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۲)

نتیجه

۱. ضرورت امالی نویسی همان ضرورت تدوین و نگارش حدیث است.
۲. آغاز امالی نویسی در حدیث شیعه، به دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسد و اولین امالی شیعه به امالی رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق یافته است.
۳. در دوران ۲۵۰ ساله حضور امامان معصوم علیهم السلام در میان مردم، امالی نویسی وجود داشت و امالی هشام بن حکم، ابوبکر عیاش و ابوسهل نوبختی از آن جمله است.
۴. در دوران پس از غیبت نیز امالی نویسی به حیات خود ادامه داده و حدیث شیعه شاهد به ثمر رسیدن کتاب‌های ارزشمندی در این زمینه بوده که امالی شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ صدوق و ابوالفضل شیبانی از آن جمله به شمار می‌رود.

فهرست منابع

۱. ابن ندیم، ابوالفرج، **الفهرست**، محقق: رضا تجدد، بی جا، تهران، بی نا، بی تا.
۲. انصاری قمی، محمد رضا، «امالی شیخ طوسی»، کیهان اندیشه، شماره ۵۶، ۱۳۷۳.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **رجال البرقی**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۴. تهرانی، آقابزرگ، **الذریعة الی تصانیف الشیعة**، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۵. حلی، ابن داود، **رجال ابن داود**، بی جا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۶. خوئی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه**، بی جا، قم، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم، ۱۳۷۲.
۷. رازی، منتجب الدین، **الفهرست**، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ق.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
۹. سید بن طاووس، علی بن موسی، **اقبال الاعمال**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۰. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، «امالی شیخ مفید» مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، شماره ۹۲، بی تا.
۱۱. صدر، سید حسن، **نهایة الدراییة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزة للبهائی**، بی جا، المشعر، بی تا.
۱۲. صدوق، ابو جعفر علی بن بابویه، **الأمالی**، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۳. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۴. -----، **مکارم الأخلاق**، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲.
۱۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، **الأمالی**، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۱۶. -----، **الفهرست**، نجف، المكتبة المرتضویة، بی تا.
۱۷. -----، **رجال الشیخ الطوسی**، قم، اسلامی، ۱۴۱۵.
۱۸. غضائری، احمد بن حسین، **رجال ابن الغضائری**، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، **المصباح**، قم، رضی، ۱۴۰۵.
۲۱. مازندرانی، ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب علیهم السلام**، بی جا، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
۲۳. مدیر شانه‌چی، کاظم، *علم الحديث و درایة الحديث*، چ پانزدهم، قم، اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الأمالی*، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۲۵. نباطی بیاضی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم*، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.
۲۶. نجاشی، محمد بن محمد، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، اسلامی، ۱۴۰۷.